



شیعه پژوهی

فصل نامه علمی - پژوهشی

سال دوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۵



صاحب امتیاز: دانشگاه ادیان و مذاهب (دانشکده شیعه‌شناسی)

مدیر مسئول: سید ابوالحسن نواب

سر دبیر: محمدحسن نادم

مدیر داخلی: محمدرضا ملانوری



هیئت تحریریه:

دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب	علی آقانوری
دانشیار مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)	محمدرضا جباری
دانشیار جامعة المصطفی العالمیة	نعمت‌الله صفری فروشانی
دانشیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی	اسحاق طاهری
استاد و پژوهشگر تاریخ و کلام اسلامی	نجم‌الدین مروجی طبسی
استاد و پژوهشگر حوزه و دانشگاه	رضا مختاری
استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب	محمدحسن نادم
استاد و پژوهشگر تاریخ اسلام	محمدهادی یوسفی غروی



مشاوران علمی:

مسعود اقبالی، عباس برومند اعلم، حمیدرضا شریعتمداری، نعمت‌الله صفری فروشانی، محمد غفوری نژاد، محسن فتاحی اردکانی، سیدعلی موسوی نژاد، محمدحسن محمدی مظفر، محمدرضا ملانوری، محمدحسن نادم، سیدعلیرضا واسعی.



ویراستار: زینب فروزفر

ویراستار چکیده‌های انگلیسی: محسن محصل یزدی

طراح جلد: شهرام بردبار

صفحه‌آرا: سید جواد میرقیصری

بر اساس مصوبه شماره ۲۱۴ جلسه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی وابسته به شورای عالی حوزه‌های علمیه مورخ ۹۵/۱۰/۱۵ فصل‌نامه شیعه‌پژوهی از شماره سوم حائز رتبه علمی- پژوهشی گردید این فصل‌نامه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه شده است و از طریق پایگاه WWW.NOORMAGS.IR نیز قابل مشاهده و دریافت است.

نشانی: قم، شهرک پردیسان، مقابل مسجد امام صادق (ع)، دانشگاه ادیان و مذاهب

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۱۷۸، تلفن: ۰۱۳-۳۲۸۰۲۶۱۰، دورنگار: ۳۲۸۰۲۶۲۷

نشانی اینترنتی: Shia.urd.ac.ir، پست الکترونیک: shiapazhoohi@urd.ac.ir

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵.۰۰۰ ریال

شاپا: ۴۱۲۵-۲۴۲۳

راهبردها و راهکارهای مناظره با هدف دفاع از حریم تشیع (مطالعه موردی مناظرات شب‌های پیشاور)

بی‌بی‌سادات رضی بهابادی*

معصومه شیردل**

[تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۱۵]

چکیده

مناظره یکی از فنون منطقی و روش‌مند در مباحثات علمی و کلامی است که همواره مورد توجه عالمان و متکلمان اسلامی بوده است. از نمونه‌های برجسته آن در قرن اخیر، جلسات ده‌گانه مناظره میان جمعی از علمای فریقین در شهر «پیشاور» است که به شکل صمیمانه و بدون تعصب برگزار شده است. محور اصلی این مناظرات، تبیین جایگاه حقیقی امامت و ولایت، و رفع شبهات درباره آن است. مشروح این مباحثات در کتاب *شب‌های پیشاور* به قلم شیوا و داستانی سلطان‌الواعظین شیرازی یعنی همان «داعی» نگاشته شده است. با تتبع در این اثر و تحلیل و بررسی مؤلفه‌های مناظرات آن، می‌توان به الگوی مناسبی از روش مناظره در عرصه مباحثات کلامی دست یافت. در واقع «داعی» بر اساس آموزه‌های قرآن و سیره معصومان(ع)، نقش مؤثری در دفاع از حریم ولایت ایفا می‌کند و اغلب به روش برهانی و با استفاده از مقدمات قرآنی و روایی و گاهی به صورت جدال احسن یا در قالب خطابه مناظره می‌کند. اما طرف مقابل وی که غالباً نقش طراح سؤال را دارد، متشکل از جمعی نظیر «حافظ»، «شیخ» و «نواب» است که روش ایشان اغلب جدلی بوده و خالی از مغالطه نیز نیست.

کلیدواژه‌ها: مناظره، سلطان‌الواعظین، شب‌های پیشاور، اهل بیت(ع)، تشیع.

مقدمه

یکی از سنت‌های پسندیده و رایج میان مسلمانان، تشکیل جلسات و محافل مناظره و مباحثه علمی است. ترغیب و تشویق قرآن به استفاده از شیوه‌های مختلف مناظره برای دعوت به سوی خداوند نیز، بیانگر اهمیت این شیوه گفت‌وگو از دیدگاه قرآن است. در ضمن آیات و روایات، گزارشات متعددی از مناظرات میان انبیا و اولیای الهی با مخالفان و اقوام ایشان نقل شده است که با بررسی شیوه‌های مناظره آنها و فضای حاکم بر آن، می‌توان به روش مناسب مناظره از دیدگاه قرآن و سنت پی برد. از جمله مناظرات برجسته در زمان معصومان(ع)، جلسات مناظره امام رضا(ع) با حضور سران ادیان و مذاهب است که زبان‌زد خاص و عام شد. این مناظرات علی‌رغم خواسته مأمون، موجب اثبات حقانیت جایگاه اهل‌بیت(ع) و مقام علمی آن حضرت در میان شیعیان گشت (نک: ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۲۰۰/۲).

بدین ترتیب، عالمان مسلمان مخصوصاً شیعیان، برای روشننگری و کشف حقیقت و رفع ابهام و اتهام از چهره مذهب راستین اهل‌بیت(ع) تلاش وافر کرده‌اند. ایشان با برپایی محافل مناظره با استناد به کتاب و سنت، برای اثبات اصول مذهب شیعه از جمله پذیرش امامت و ولایت ائمه دوازده‌گانه(ع) اقامه دعوی نموده‌اند و شرح این گفت‌وگوها در آثار متعددی به ثبت رسیده است. از جمله این آثار در بین معاصران، کتاب نفیس شب‌های پیشاور است که علاوه بر استناد و اتکای آن به ادله معتبر نقلی و عقلی، به علت برخورداری از بیانی شیوا در قالب زبان داستانی و تبلیغی، بسیار مورد استقبال محققان حقیقت‌طلب و مخاطبان خاص و عام قرار گرفته است. این اثر نزد اهل تراجم، به عنوان کتابی در حوزه عقائد و کلام معرفی می‌شود (حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۵۱۳/۲)، اما اغلب از جنبه اسلوب گفت‌وگو و مناظره آن غفلت شده است. درحالی‌که با تتبع در این اثر ملاحظه می‌شود که طرفین مناظره از شیوه و آداب مناسبی برای پیشبرد مناظره بهره‌جسته‌اند که می‌تواند به عنوان الگویی در مناظرات و مباحثات علمی مورد مطالعه و استفاده قرار گیرد. بنابراین پژوهش حاضر درصدد تحلیل و بررسی روش مناظره در کتاب شب‌های پیشاور برای تحقق این مهم است.

تبیین مفاهیم پژوهش

شایسته است قبل از ورود به بحث اصلی، برخی از مفاهیم کلیدی مهم در این پژوهش نظیر «مناظره»، «کتاب شب‌های پیشاور» و «سلطان‌الواعظین» تبیین و بررسی شود.

مناظره

مناظره در لغت از ماده «نظر» می‌آید و نظر در اصل به معنای نگاه کردن با بصر (چشم) یا بصیرت به چیزی برای تأمل و ادراک آن است. لذا به بیان آنچه که به‌وسیله بصیرت درک می‌شود، نیز مناظره گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۲). بنابراین مناظره به معنای مجادله (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۹۸/۳)، مباحثه و گفت‌وگوی رودررو و نبرد نظری با سخن و خطابه است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۴۲/۷) در واقع مناظره بین دو نفر هنگامی صورت می‌گیرد که آنها به موضوعی از زاویه‌ای نظر کرده و به گونه‌ای خاص آن را مطرح کنند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۱۷/۵).

به عبارت دقیق‌تر، مناظره در اصطلاح، ناظر به گفت‌وگوی دو مدعی است که برای اثبات نظر خویش تلاش می‌کنند و شاهی می‌آورند. مناظره به وضع تعینی، مباحثه‌ای کلامی است که هر یک از دو طرف گفت‌وگو با ایمان به حقایق خویش درصدد اسکات و اقناع طرف مقابل است (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۳).

سلطان‌الواعظین

مؤلف کتاب شب‌های پیشاور، سید محمد موسوی شیرازی (۱۳۹۱ ه.ق.) معروف به سلطان‌الواعظین، فرزند سید علی‌اکبر اشرف‌الواعظین است (نصیری، ۱۳۸۴: ۲۴۲/۳). براساس تصریح مؤلف به ذکر شجره‌نامه‌اش در مقدمه کتاب *صد مقاله سلطانی*، نسب شریفش با ۲۵ واسطه به امام کاظم (ع) می‌رسد (نک: موسوی شیرازی، ۱۳۹۲: ج). گفتنی است که خاندان و اجداد او از سادات مهم و معتبر ایران به شمار می‌روند (سلیمانی آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۴۲). وی که از بزرگان وعظ و تبلیغ و ارشاد بوده، در هفتم ذی‌القعدة سال ۱۳۱۴ ه.ق. در تهران متولد شده است (حسینی جلالی، ۱۳۸۰: ۵۱۳/۲). تحصیلات مقدماتی را در مدرسه پامنار تهران گذراند. در سال ۱۳۲۶ ه.ق. همراه پدر به عراق رفت و دو سال در کربلا ماند و سطوح متوسطه را نزد فاضل مرنندی و شهرستانی خواند و

در خدمت پدر به کرمانشاه رفت و به تبلیغ شریعت پرداخت. برای تکمیل علم و انجام وظایف تبلیغی مسافرت‌هایی به عراق، سوریه، فلسطین، اردن، مصر و هندوستان کرد. با بسیاری از دانشمندان ادیان و مذاهب، مناظرات دینی انجام داد. دو مناظره بزرگ سلطان‌الواعظین در سال ۱۳۴۵ ه.ق. به وقوع پیوست که یکی با برهمنیان در حضور گاندی و دیگری با عالمان اهل سنت بود (نصیری، ۱۳۸۴: ۲۴۲/۳).

سلطان‌الواعظین علاوه بر شب‌های پیشاور، تألیفات متعددی دارد؛ آثار مکتوب وی عبارت است از:

- گروه رستگاران یا فرقه ناجیه (تهرانی، ۱۴۰۸: ۲۰۶/۱۸)؛ این اثر از نظر موضوعی مشابه شب‌های پیشاور و در زمینه اثبات حقانیت شیعه است (سلیمانی آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

- صد مقاله سلطانی (راهنمای یهود و نصاری و مسلمین در معرفت تورات و انجیل و قرآن مجید)؛ این کتاب شامل سلسله مقالات منتشر شده ایشان در مجله دینی پرچم اسلام است (موسوی شیرازی، ۱۳۹۲: ج).

سرانجام آن مدافع حریم ولایت در روز جمعه هفدهم شعبان ۱۳۹۱ ه.ق. برابر با شانزدهم مهرماه ۱۳۵۰ ه.ش. در تهران درگذشت. گرچه روی جلد شب‌های پیشاور چاپ دارالکتب تاریخ بیستم شعبان نوشته شده، ولی بر سنگ مزار ایشان، همان تاریخ هفدهم شعبان قید شده است. پیکر ایشان در جوار بارگاه حضرت معصومه (س) در قبرستان ابوحسین به خاک سپرده شد (سلیمانی آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

کتاب شب‌های پیشاور

کتاب شب‌های پیشاور مهم‌ترین اثر سلطان‌الواعظین شیرازی است. مباحث این کتاب برگرفته از یکی از مناظرات بزرگ سلطان‌الواعظین در سال ۱۳۴۵ ه.ق. است. ماجرا از آنجا آغاز شد که سلطان‌الواعظین در ربیع‌الاول سال ۱۳۴۵ ه.ق. از طریق هندوستان به قصد زیارت امام رضا (ع) عازم ایران می‌شود. وقتی به کراچی و بمبئی می‌رسد، جراید محلی ورود ایشان را گزارش می‌دهند. دوستان و آشنایان، ایشان را به شهرهای دهلی، آگره، لاهور، کشمیر و کویته دعوت می‌کنند. در مدت حضور در دهلی مناظره‌ای با علمای هندو و براهمه در حضور رهبر بزرگ هند، گاندی، برگزار می‌شود که در این مجلس، سلطان‌الواعظین حقانیت دین اسلام را ثابت می‌کند. در چهاردهم

رجب ۱۳۴۵ ه.ق. بنا به دعوت محمد سرورخان عازم پیشاور می‌شود که یکی از شهرهای مرزی پنجاب هند (پاکستان کنونی) است. در پیشاور در حسینیه‌ای به منبر می‌رود که عده بسیاری از اهل سنت و شیعیان مقیم پیشاور در این جلسات شرکت می‌کنند (توحیدی، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۱). سلطان‌الواعظین در این جلسات مباحثی پیرامون امامت و عقاید شیعه مطرح کرد. در پایان یکی از سخنرانی‌ها، دو نفر از عالمان بزرگ اهل سنت کابل افغانستان، یعنی حافظ محمد رشید و شیخ عبدالسلام به محضر ایشان می‌رسند و تقاضای مناظره دینی با سلطان‌الواعظین را داشتند. وی از این پیشنهاد استقبال می‌نماید. سپس جلسات مناظره در منزل میرزا یعقوب خان، از رجال مهم پیشاور، از شب جمعه ۲۳ رجب ۱۳۴۵ ه.ق. به مدت ده شب - هر شب بعد از نماز مغرب و عشا در حدود ۷ الی ۸ ساعت - در حضور جمعیتی بالغ بر دویست نفر از علما و رجال و مردم شهر و چهار نفر از خبرنگاران روزنامه‌های محلی تشکیل می‌شود. در پیشاور و شهرهای اطراف آن، فرق مسلمین در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز دارند، لذا چنین محفلی با استقبال زیادی همراه می‌شود. گزارش مذاکرات هر شب، در روزنامه‌های محلی روز بعد منتشر می‌شد (نک: سلیمانی آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۴۹-۱۴۸). از آنجا که مردم اقلیم پیشاور با زبان پارسی آشنایی کاملی داشتند، تمام سخنرانی‌ها و مناظرات سلطان‌الواعظین در این شهر به زبان فارسی ایراد شده است (حاجی، ۱۳۸۸: <http://article.tebyan.net/10852/>). مشروح این مناظرات براساس همان جراید محلی، نخستین بار در سال ۱۳۷۵ ه.ق. از سوی مؤلف و با اشراف حضرت آیت‌الله بروجردی منتشر شد (توحیدی، ۱۳۸۹: ۱۲). بیش از چهل بار تجدید چاپ این اثر و تألیف آثار محققانه درباره آن، همگی بیانگر جایگاه و اهمیت آن نزد مخاطبان است. برخی از این آثار عبارت است از:

۱. پاسخ به شبهات در شبهای پیشاور؛ نوشته نیرالسادات صانعی که در آن، مطالب کتاب شب‌های پیشاور به صورت پرسش و پاسخ تنظیم شده است (نک: صانعی، ۱۳۸۵: ۹).
۲. شبهایی در شب (خلاصه‌ای از کتاب شبهای پیشاور)؛ نوشته ضیاء توحیدی که مناظرات را خلاصه کرده است. نام «داعی» در این اثر به «واعظ» تغییر یافته است (نک: توحیدی، ۱۳۸۹: ۱۴). این اثر به صورت نمایشنامه صوتی نیز منتشر شده است.

۳. *لیالی پیشاور مناظرات و حوار؛ ترجمه شب‌های پیشاور به زبان عربی، با تعریب سید حسن موسوی.*

ارکان مناظره در شب‌های پیشاور

ساختار هر مناظره‌ای متشکل از ارکان و اجزایی از قبیل طرفین مناظره، موضوع مناظره، ضوابط مناظره و آداب مناظره است؛ مناظرات شب‌های پیشاور نیز از این قاعده مستثنا نیست.

۱. طرفین این مناظرات

چنان‌که در تعریف مناظره نیز آمد، مناظره میان دو فرد یا گروه مدعی برقرار می‌شود. در مناظرات شب‌های پیشاور نیز گروهی از دانشمندان شیعه و اهل سنت در محفلی صمیمی در شهر پیشاور جمع شده و به مناظره و مباحثات کلامی پرداخته‌اند. در واقع این مناظرات میان اشخاص برجسته‌ای از اهل سنت با یکی از علمای بزرگ شیعه به نام سلطان‌الواعظین شیرازی برگزار شده است. طرفین این مناظرات به ترتیب عبارت‌اند از:

«داعی»؛ تنها عالم شیعی مناظره‌کننده

«داعی» نام مستعار و فروتنانه طرف کلیدی مناظرات در کتاب شب‌های پیشاور، یعنی سلطان‌الواعظین شیرازی است. در جرائد محلی پیشاور از «داعی» با عنوان «قبله کعبه» تعبیر شده که از القاب مهم و مرسوم روحانیت در هندوستان است. اما مؤلف در کتاب شب‌های پیشاور این عنوان را به «داعی» تغییر داده است (موسوی شیرازی، ۱۳۸۸: ۹۴/۱).
با تتبع در کتاب شب‌های پیشاور ملاحظه می‌شود که تنها عالم شیعی مشارکت‌کننده در مناظرات، شخص داعی بوده که در این محافل عمدتاً نقش مجیب را بر عهده دارد و به ندرت طرح مسائل کرده است. از جمله مواردی که ایشان در مقام سائل ظاهر شده، در جلسه نهم است که در مورد مؤلفه‌های فضیلت و شرافت صحابه طرح مسئله کرده و خطاب به شیخ می‌گوید: «بفرمایید شرافت و فضیلت هر فردی بر سایر افراد که حق تقدم ایجاد می‌کند، به نظر شما به چه چیز است؟» (همان: ۱۸۶/۲).

برخی از عالمان اهل سنت

طرف مقابل داعی در مناظرات شب‌های پیشاور، جمعی از عالمان اهل سنت نظیر حافظ محمد رشید و شیخ عبدالسلام از عالمان بزرگ کابل هستند. در این جلسات طرف صحبت داعی رسماً حافظ است و گاهی دیگران نیز با اجازه وارد صحبت می‌شدند (همان: ۹۶/۱-۹۴). این روند هم‌چنان ادامه یافته است تا اینکه از جلسه نهم به بعد، یعنی در دو جلسه پایانی شیخ عبدالسلام، فقیه حنفی رسماً طرف صحبت داعی قرار می‌گیرد و حافظ از ادامه مذاکره صرف نظر کرده و صرفاً مستمع گفتار طرفین است (همان: ۱۵۶/۲).

البته در این جلسات علاوه بر دو شخصیت فوق، افرادی از علما و بزرگان اهل سنت، مانند نواب (عبدالقویوم خان) از اشراف و ملاکین اهل تسنن آن دیار و سید (عبدالحمی) امام جماعت اهل تسنن، گاهی در خلال مذاکرات با کسب اجازه از صاحبان مجلس وارد بحث شده و از داعی طرح پرسش کرده‌اند.

۲. موضوع این مناظرات

بی‌تردید یکی از ارکان مهم مناظره، موضوع محوری و کلیدی مورد بحث در جلسات است. زیرا روشن شدن مباحث اصلی در مناظرات، موجب انسجام و هدفمندی مذاکرات و صلابت گفتار طرفین مناظره می‌شود.

مناظرات شب‌های پیشاور نیز معمولاً درباره مباحث اختلافی حساس میان شیعه و اهل سنت، اعم از مسائل کلامی و فقهی و همچنین شبهات و اتهامات وارد شده بر مذهب شیعه صورت گرفته است. به گونه‌ای که اغلب موضوعات مناظره، براساس پرسش‌های مطرح شده از سوی علمای اهل تسنن، در ابتدای جلسات مشخص می‌شود. ادامه مذاکرات نیز مرتبط با همان موضوعات اصلی ابتدای هر جلسه و مطالب جلسات پیشین، به صورت پیوسته و منطقی از سر گرفته می‌شود. اهم مباحث مطرح شده در جلسات ده‌گانه به ترتیب عبارت است از:

۱. موضوع اصلی جلسه اول، اثبات صحت انتساب ذریه حضرت زهرا(س) به پیامبر اکرم(ص) است. سپس مطالبی همچون تعیین نسب هاشمی شخص داعی و کیفیت نماز ظهرین و مغربین رسول خدا(ص) مطرح شده است.

۲. موضوع اصلی در جلسه دوم، اثبات اصالت مذهب تشیع و تبیین معنای حقیقی تشیع بوده است. مباحثی نظیر دفع شبهه غالی بودن تمام شیعیان، ذکر عقاید غلات و مذمت آنان و بیان صحت صلوات بر آل محمد(ص) نیز مطرح شده است.
۳. موضوع اصلی جلسه سوم، دفع اتهام شرک از چهره شیعه امامیه اثنی عشری است. بدین منظور عقاید سایر فرق شیعه، مفهوم و اقسام شرک، همچنین برخی از عقاید شیعیان نظیر آداب زیارت معصومین(ع) تشریح شده است.
۴. موضوع اصلی در جلسه چهارم، شناخت و بیان حقیقت و مقام امامت است. در ادامه، مرجعیت علما و امامان اهل تسنن رد شده و سپس درباره سند و مفهوم حدیث منزلت بحث شده است.
۵. در جلسه پنجم، بحث درباره حدیث منزلت ادامه می یابد. رویکرد غالب در این جلسه، مباحث روایی است. روایاتی در شأن امیرمؤمنان(ع) و اهل بیت(ع)، همچنین اخباری در فضیلت خلفا مورد بررسی قرار گرفته است.
۶. موضوع اصلی در جلسه ششم آیات نازل شده در شأن امام علی(ع)، مخصوصاً آیه ولایت و ذکر دلایل تاریخی افضلیت امام علی(ع) در میان صحابه و امت بوده است.
۷. در جلسه هفتم نیز بحث درباره افضلیت امیرمؤمنان(ع) ادامه می یابد. با استشهاد به آیه مباحله، اتحاد نفسانی پیغمبر(ص) با امام علی(ع) ثابت می شود. سپس حقایقی از جریان خلافت نظیر اعمال زور در بیعت گیری از اهل بیت(ع) برای خلیفه اول و اثبات مظلومیت خاندان نبوت پس از وفات آن حضرت(ص) مطرح می گردد.
۸. اولین موضوع مورد بحث در جلسه هشتم، تبیین مراتب ایمان و فرق اسلام با ایمان است. حجم مسائل مطرح شده در این جلسه و سایر جلسات پایانی نسبت به جلسات پیشین مناظره افزایش یافته است. چنان که در این جلسه مباحث متعددی نظیر عقیده شیعه درباره صحابه و همسران پیامبر(ص)، مفهوم «مولی» و تبیین حدیث غدیر و آیات ولایت و اکماله همچنین بحثی درباره ماجرای غصب فدک و احتجاج حضرت زهرا(س) و نیز شیوه برخورد خلفا در جریان وصایت رسول اکرم(ص) مطرح شده است.

از شواهد موجود چنین برمی آید که این جلسه مؤثرترین محفل مناظره بوده است. زیرا تمام اهل مجلس پس از شنیدن ماجرای مظلومیت حضرت زهرا(س) و خاندان اهل بیت(ع) به شدت متأثر شده‌اند. آن‌چنان‌که حتی حافظ بعد از این جلسه سکوت اختیار کرده است (نک: همان: ۱۵۶/۲-۱۵۵).

۱. موضوعات اصلی در جلسه نهم، رفع اتهام از شیعیان در اهانت به همسر رسول خدا(ص) و بیان حقایق درباره ام‌المؤمنین عایشه نظیر مخالفت وی با امیرمؤمنان(ع) و همچنین بیان انتساب خلافت امام علی(ع) از جانب خداوند و اثبات نسب پاک ایشان و تأیید ایمان حضرت ابوطالب(ع) بوده است.

۲. در جلسه دهم که جلسه پایانی مذاکرات بود، برخی موضوعات جزئی‌تر نظیر سؤال از مقام علمی خلفا مخصوصاً شخص عمر بن خطاب مطرح شده که در پاسخ، نمونه‌هایی از فتاوی مخالف نص صریح قرآن از سوی خلفا و مراجع اهل سنت بیان شده است. همچنین موضوع اصلی و کلیدی این جلسه، اثبات اعلی و فضیلت امام علی(ع) بر اساس حقایق تاریخی و روایی بوده است. از جمله مستندات و مباحث مطرح شده در این باب، معرفی جفر جامعه و تبیین و قضاوت‌های منصفانه و نجات‌بخش آن حضرت بوده است. در پایان جلسه نیز جمعی متشکل از شش نفر از بزرگان اهل سنت حاضر در این جلسات در محضر همگان مذهب تشیع را اختیار کردند (نک: همان: ۳۶۴/۲).

۳. آداب و ضوابط این مناظرات

براساس آیات و روایات، هر مناظره و گفت‌وگویی دارای آداب و شرایطی است که رعایت آن برای حفظ سلامت مذاکرات، بر طرفین مناظره لازم است. بی‌تردید به علت رعایت همین آداب است که جلسات ده‌گانه مناظره در شب‌های پیشاور در نهایت سلامت و احترام متقابل برگزار شده و به دور از بروز کینه و کدورت، موجب افزایش انسجام و اتحاد مسلمین شده است. از جمله آداب و ضوابطی که افراد شرکت‌کننده در این مناظرات، مخصوصاً شخص داعی با جدیت به آنها پایبند بوده‌اند عبارت است از:

۳-۱. پیروی از علم

گفتنی است که مهم‌ترین آداب مناظره، پیروی از علم است. چنان‌که خداوند در قرآن کریم از مجادله بدون علم برحذر می‌دارد و درباره آن چنین می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنُ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ» (حج: ۳ و ۸؛ لقمان: ۲). همچنین از امام باقر(ع) نقل شده است که ایشان از رعایت قاعده «پیروی از علم» به عنوان حق خدا بر بندگان یاد می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳/۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۳/۲۷). اگرچه در این مناظرات گاهی سؤال‌کنندگان بدون علم سخن می‌گویند، اما داعی به واسطه احاطه علمی به منابع معتبر فریقین به صورت مستند و مستدل پاسخ می‌دهد. از جمله این موارد، ذکر اسناد گفته عمر در فضیلت امام علی(ع)، یعنی جمله «لولا علی لهلك العمر» است که داعی قریب به بیست منبع را با ذکر دقیق صفحات آن آورده است (نک: موسوی شیرازی، ۱۳۸۸: ۱/۳۳۶-۳۳۵).

۳-۲. استناد به قرآن و سنت معصومین (علیهم‌السلام)

یکی از آداب مهم در مناظره، استمداد از قرآن است. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «آن که با کمک قرآن گفت‌وگو کند، بر خصم غالب می‌شود و کسی که به یاری قرآن مبارزه کند، پیروز می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵/۸۹). طرفین مناظرات در شب‌های پیشاور از ابتدا بر استدلال به قرآن تأکید داشته، در طول مناظره هم اهتمام چشم‌گیری به استمداد از قرآن داشته‌اند. مثلاً داعی در جلسه نهم برای اثبات صحت لعن بر معاویه و یزید به هفت آیه از قرآن اشاره کرده است (همان: ۲۰۷/۲).

گفتنی است که حافظ در جلسه نخست تقاضا می‌کند که در مکالمات، طرفین از دلائل قرآنی تجاوز نکنند؛ اما داعی با استدلال ثابت می‌کند که اکتفا به دلائل قرآنی از نظر علمی و عقلی، مردود است. سپس پیشنهاد می‌کند که براساس دلائل قرآنی و روایی به مذاکرات ادامه دهند. در نتیجه بر ضابطه استشهاد به آیات قرآن و سنت نبوی توافق صورت می‌گیرد (موسوی شیرازی، ۱۳۸۸: ۹۷/۱). بر همین اساس، عمده استناد داعی علاوه بر قرآن کریم، به منابع معتبر روایی و تاریخی اهل سنت است که مشتمل بر سنت نبوی می‌باشند؛ نظیر صحاح سته و شروح آنها، مسند احمد بن حنبل، طبقات ابن سعد و آثار عالمان بزرگ آنان همچون شافعی، ذهبی، حاکم نیشابوری، ابن ابی‌الحدید و دیگران.

۳-۳. دوری از غضب و تعصب

از جمله آداب مهم مناظره از لحاظ اخلاقی، دوری از غضب و دشمنی است؛ زیرا به فرموده امام علی (ع) شدت خشم و غضب، سخن گفتن را دگرگون می‌کند و قدرت استدلال را از بین می‌برد و فهم و شعور را متلاشی می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲۸/۶۸). همچنین آن حضرت می‌فرماید: «از جدال در شکایت و دشمنی بپرهیزید. زیرا این دو موجب بیماری دل و ایجاد نفاق می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰۰/۲).

در مناظرات شب‌های پیشاور نیز، با توجه به تصریح طرفین مناظرات در آغاز جلسه اول هدف عالمان اهل تسنن از تقاضای برپایی این جلسات، رفع شبهات بوده است. لذا مذاکره‌کنندگان در کمال دوستی و دور از خشم و تعصب به مناظره پرداخته‌اند. چنان‌که داعی در آغاز جلسه اول شرط ادامه مذاکرات را، دوری از تعصبات و مجادلات قومی و رعایت انصاف و علم و منطق مطرح می‌کند (موسوی شیرازی، ۱۳۸۸: ۹۷/۱). البته ایشان بیش از سایرین بر این قاعده پایبند بوده است. چنان‌که به کرات تا پایان این جلسات طرف مقابل بر حسن اخلاق ایشان اعتراف کرده‌اند. به گونه‌ای که حتی شیخ نیز به عنوان متعصب‌ترین فرد مذاکره‌کننده در شب‌های پیشاور بارها به این مطلب اقرار کرده است؛ از جمله اینکه در آغاز جلسه نهم چنین می‌گوید: «جناب صاحب ... علاوه بر علم و منطق زیبا، حسن اخلاق و رفتار و ادب عالی جناب شما همه را مجذوب نموده. اگر دشمنی هم در مقابل شما قرار گیرد سر تسلیم فرود آورد، چه رسد به دوستان» (موسوی شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۵۶/۲). همچنین در پایان جلسه دهم وقتی که داعی از اهل مجلس تقاضای عفو و اغماض نمود، حافظ در جواب ایشان می‌فرماید: «از حسن بیان و ابراز الطافتان کمال امتنان حاصل است و احدی از ما از شما رنجشی ندارد که پوزش می‌طلبید. چه آنکه حسن اخلاق و ادب جناب عالی به قدری زیاد است که ما را مفتون و مجذوب خود نموده است» (همان: ۳۶۶/۲).

بنابراین می‌توان گفت که در واقع، معیار مناظرات در شب‌های پیشاور دوری از تعصب و نیز لزوم تمسک و استناد به قرآن و سنت برای رفع شبهات و کشف حقایق است.

روش‌های مناظره در شب‌های پیشاور

در حقیقت، مناظره دارای شیوه‌های متعددی است. اهل فن به فراخور محور مناظرات و

موقعیت طرفین مناظره، از روشی مناسب برای گفت‌وگو بهره می‌برند. در نص صریح قرآن کریم در مواضع متعددی، از انواع روش‌های دعوت سخن به میان آمده است. اما در ذیل آیه‌ای مجموعاً به سه روش دعوت و گفت‌وگو اشاره شده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدُلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (النحل: ۱۲۵). علامه طباطبایی ذیل تفسیر این آیه می‌فرماید:

مراد از حکمت، حجتی است که منتهی به حق شود. آن هم به گونه‌ای که هیچ شک، وهن و ابهامی در آن نماند. موعظه نیز عبارت از بیانی است که نفس شنونده را نرم و قلبش را به رقت درآورد. یعنی بیانی که دارای مطالب عبرت‌آور و به مصلحت حال شنونده باشد و آثار پسندیده‌ای در پی داشته باشد. جدال هم عبارت است از دلیلی که صرفاً برای منصرف کردن خصم از آنچه که بر سر آن نزاع می‌کند به کار رود. بنابراین، این سه طریقی که خدای تعالی برای دعوت بیان کرده با همان سه طریق منطقی، یعنی «برهان»، «خطابه» و «جدل» منطبق می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/۳۷۲-۳۷۱).

نزد اهل منطق نیز، مناظره و گفت‌وگو برحسب استقرا و با توجه به قضایای تشکیل‌دهنده استدلال‌های آنها پنج قسم است که در اصطلاح، مشهور به «صناعات خمس» می‌باشد. این اقسام عبارت است از: برهان، جدل، خطابه، مغالطه و شعر (اژه‌ای، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

در این بخش، ضمن معرفی روش هر یک از مناظره‌کنندگان شب‌های پیشاور، پس از تبیین اصطلاحی هر گونه مناظره مورد استفاده ایشان از نظر اهل منطق، مثال‌هایی از به کارگیری آن روش‌ها از سوی مناظره‌کنندگان مطرح می‌شود.

۱. روش مناظره داعی

داعی از علمای بزرگ شیعی و دارای حسن اخلاق و سعه صدر فراوان بوده و به آثار فریقین احاطه کافی داشته و به همین دلیل مورد دعوت و احترام بزرگان و عالمان قرار گرفته است. ایشان در مناظرات شب‌های پیشاور بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و نیز حساسیت جلسات مذکور، سعی کرده غالباً به شیوه برهانی و با تأکید بر شواهد قرآنی

و روایی سخن گوید تا گفته‌هایش مقبول طرف مقابل واقع شود. زیرا هدف ایشان از موافقت با تشکیل این جلسات، روشن کردن حقیقت بر برادران دینی و ارشاد آنان، همچنین رفع شبهات و اتهامات وارد بر مذهب راستین تشیع بوده است. به همین علت حاضر می‌شود تا به تنهایی با جمع کثیری از بزرگان اهل سنت که برخی از آنها عاری از عناد و تعصب نبودند، مذاکره کند و یکه‌تاز میدان شود.

روش برهانی

مناظره برهانی در اصطلاح اهل منطق، مناظره‌ای است که مقدمات استدلال در آن از قضایای یقینی شش‌گانه (اولیات، محسوسات، تجربیات، متواترات، فطریات و حدسیات) تشکیل می‌شود. اصولاً این شیوه مناظره زمانی استفاده می‌شود که هدف شناخت حقیقت یا ارشاد دیگران باشد (اژه‌ای، ۱۳۸۵: ۱۷۵). لذا بهترین نوع مناظره و گفت‌وگو، مناظره برهانی است. زیرا مناظره‌کننده در آن می‌تواند با بهره‌گیری از ادله متقن و مبرهن برای اثبات حق زودتر به نتیجه برسد (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۴).

باتوجه به اینکه مناظرات برهانی داعی حجم انبوهی از سخنان ایشان را در بر می‌گیرد، به رسم اختصار در پژوهش حاضر، از باب نمونه می‌توان به پاسخ ایشان در جلسه پنجم به شبهه شیخ مبنی بر معقول‌نبودن جعل احادیث از سوی معاویه برای ترویج لعن بر امام علی(ع) اشاره کرد که می‌فرماید:

قطعاً معقول نیست که صحابی پاک‌دل چنین کاری کنند و اگر فردی از صحابه چنین کاری کرد، دلیل قطعی بر پاک‌دل نبودن او است و حتماً منافق و مردود و ملعون خواهد بود. چه آنکه سب‌کننده خدا و پیغمبر قطعاً مردود و ملعون و اهل آتش است. به نص اخبار بسیاری که علاوه بر اجماع علمای شیعه، اکابر علمای خودتان نقل کرده‌اند که رسول اکرم(ص) فرمود که هرکس علی(ع) را سب کند مرا و خدای مرا سب کرده است (موسوی شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۷۴-۲۷۳).

داعی در اینجا از قضیه‌ای عقلی برای اثبات وقوع جعل حدیث و سب امیرمؤمنان(ع) از سوی شخصی نظیر معاویه بهره برده است. همچنین در جلسه هشتم آنجا که حافظ از سخن داعی مبنی بر ادعای تواتر حدیث غدیر در نزد فریقین اظهار

تعجب نموده و می‌گوید: «آیا می‌شود باور کرد که امر چنین پراهمیتی، آن گونه که شما بیان کردید واقع شده باشد و علمای بزرگ آن را نقل نکرده باشند؟».

داعی در پاسخ می‌فرماید:

هیچ انتظار نداشتم که شما این‌گونه بیان کنید. درحالی‌که قضیه غدیرخم کالشمس فی رابعة النهار ظاهر و هویدا است و کسی انکار این معنی نمی‌کند مگر عنود لجوجی که خود را رسوا و مفتضح نماید. چه آنکه جمهور علمای ثقات شما این واقعه مهم را در کتب معتبره خود ثبت کرده‌اند که به بعض آنها که در نظر دارم برای وضوح مطلب اشاره می‌کنم تا بدانید که مورد قبول و باور جمهور اکابر علمای خودتان است.

سپس وی قریب به شصت منبع معتبر اهل تسنن را در این مورد ذکر می‌کند (همان: ۶۳/۲-۶۰). به این طریق ایشان هم صحت حدیث غدیر و هم تواتر آن را نزد اهل سنت اثبات کرده است.

روش جدلی

منظور از مناظره جدلی در اصطلاح اهل منطق، اثبات نظر خود یا ابطال عقیده طرف مقابل در حین مناظره است؛ خواه آن عقیده حق یا باطل باشد. در واقع هدف از جدل برهم‌زدن عقیده‌ها است. جدل مستلزم وجود دو طرف است. یکی از طرفین را سائل و طرف دیگر را مجیب نامند. سائل کسی است که می‌خواهد طرف مقابل خود را ملزم سازد که عقیده‌ای را بپذیرد یا از عقیده‌ای دست بردارد. اما مجیب کسی است که سعی دارد از نظر خود دفاع کند یا الزام طرف مقابل را از خود برطرف کند (نک: اژه‌ای، ۱۳۸۵: ۱۷۸).

فن جدل از چنان اهمیتی در مطالعات قرآنی برخوردار است که گاهی علما بخشی از کتب علوم قرآنی را به این علم اختصاص داده‌اند (نک: سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۸۷/۲-۲۸۲). در عرف غالباً مقصود از مناظره همان مجادله است که بین دو گروه متخصص صورت می‌گیرد.

از موارد استعمال این لفظ در قرآن می‌توان دریافت که جدال مفهوم وسیعی دارد و هر نوع بحث و گفت‌وگوی طرفین را شامل می‌شود، خواه به حق یا به باطل باشد. ولی در غالب موارد در قرآن کریم این واژه در مجادله باطل استعمال شده است. براساس نص صریح قرآن، جدال دو نوع است؛ جدال احسن و جدال باطل (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۲۰). چنان‌که خداوند از گفت‌وگو با اهل کتاب با عنوان «مجادله احسن» یاد کرده است؛ «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (العنکبوت: ۴۶).

مجادله احسن آن است که برای خیرخواهی و نفع‌رساندن، با مدارا و نرمش انجام گیرد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۴۹/۸). در نتیجه، مجادله وقتی احسن به شمار می‌آید که دارای دو حسن باشد؛ اول اینکه با نرمی و سازش همراه باشد و خصم را متأذی نکند و دیگر اینکه هر دو شخص مجادله‌کننده علاقه‌مند به روشن شدن حق باشند. در این صورت، این مجادله بهترین نوع مجادله است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳۸/۱۶). این نوع جدال از نظر قرآن مطلوب است و قرآن به آن امر می‌کند.

گاهی داعی از شیوه جدال احسن استفاده می‌کند و این شیوه را در برابر شیوه جدلی طرف مقابل به کار می‌برد. در این موارد با استناد به مسلمات و مشهورات نزد علمای اهل سنت، اعم از استشهاد به سخنان ائمه و بزرگان ایشان و با ارجاع به منابع مهم روایی و تفسیری ایشان سعی می‌کند تناقض در عقاید و دیدگاه‌های طرف مقابل را نشان دهد و به این طریق، نظر خود را اثبات می‌کند. مثلاً در جلسه هشتم در پاسخ شبهه حافظ در علت تخصیص معنای «مولی» به اولای به تصرف، از قواعد مسلم نزد طرف مقابل در علم اصول بهره‌جسته و چنین می‌فرماید:

البته خاطر آقا به خوبی مسبوق است که محققین علم اصول بیانی دارند در لفظی که از حیث لغت به معانی متعدد آمده، معنای واحد در آنها حقیقی است و باقی معنای مجاز است و بدیهی است در همه جا حقیقت مقدم بر مجاز است (موسوی‌شیرازی، ۱۳۸۸: ۷۵/۲).

همچنین ایشان در جلسه نهم پس از تبیین مؤلفه‌های اصلی شرافت و فضیلت از سوی شیخ می‌فرماید: «احسن الله لکم الاجر، ما هم از همین سه طریق که شما به عنوان رئوس فضائل و کمالات انتخاب فرمودید وارد بحث می‌شویم...» (همان: ۱۸۶/۲).

روش خطابی

خطابه در اصطلاح علم منطق، عبارت است از صناعت و فنی علمی که در سایه آن، تا حد امکان خطیب قدرت پیدا می‌کند تا به منظور رسیدن به اهداف خویش، مردم و مخاطبان را اقناع کند و با خطابه‌ای ماهرانه، احساسات برانگیخته‌شده را فرونشاند و آتش شعله‌ور عواطف را خاموش سازد (نک: محمدی خراسانی، ۱۳۸۱: ۴۰۱/۲).

در واقع قیاسی که هدف از آن اقناع ذهن طرف و ایجاد تصدیق، ولو ظنی است و منظور اصلی وادارکردن طرف به سوی کاری یا بازداشتن او از کاری باشد، «خطابه» نامیده می‌شود. در خطابه باید از موادی استفاده شود که حداقل ایجاد ظن و گمان در طرف بکند (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۱۹/۵). بدین لحاظ، در مناظره خطابی از قضایای اقناعی استفاده می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۶). این قضایا شامل مشهورات، مظنونات و مقبولات است (اژه‌ای، ۱۳۸۵: ۱۸۶). بنابراین هدف از خطابه، برانگیختن ظن است که گاهی به حد اقناع یا همان اطمینان عرفی می‌رسد و نتیجه‌اش تسلیم و اذعان مخاطب به بیانات خطیب است.

البته داعی به ندرت از شیوه خطابه بهره جسته است. زیرا عموماً طرف مقابل ساکت نمانده و طرح شبهه می‌کند. تنها زمانی که طرف مقابل مناظره تقاضای توضیح بیشتر و تفصیل بحث از سوی داعی می‌کند، ایشان که واعظی زبردست است، با استفاده از فن خطابه و بر اساس مقبولات و قضایای اقناعی طرف مقابل را اقناع کرده، سکوت را بر جلسه حاکم می‌کند. سخنرانی مفصل داعی در روز عید میلاد حسین(ع) که پس از اتمام جلسات برگزار شده و ایشان به اصرار صاحبان مجلس و حافظ بر منبر رفته و ایراد سخن کرده، از نوع خطابه و موعظه است که حسن ختام این مناظرات محسوب می‌شود (موسوی شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۰۴/۲-۳۶۹).

۲. روش مناظره حافظ محمد رشید

حافظ که شخصیت اصلی در مقابل داعی محسوب می‌شود، اکثراً نقش سؤال‌کننده را ایفا می‌کند و به ندرت در مقام پاسخ‌گویی است. با توجه به لقب ایشان که بیانگر مقام علمی ایشان و تسلط بر منابع نقلی و روایی است، انتظار می‌رود که ایشان نیز اغلب از شیوه برهانی استفاده کند. اما به دلیل جایگاه و موقعیتی که در قالب پرسش‌گر در این جلسات بر عهده داشته است، غالباً روش مناظراتی ایشان رنگ و بوی جدلی دارد.

روش جدلی

از باب نمونه، حافظ در آغاز جلسه سوم خطاب به داعی می‌گوید:

از بیانات دیشب شما کشف شد که شیعه طبقات مختلفی دارد. کدام طبقه از شیعه را ذی‌حق و گفتار و عقاید آنها را حق می‌دانید؟ چنانچه ممکن است طبقات شیعه را برای روشن شدن مطلب بیان فرمایید تا ما بدانیم در کدام قسمت وارد بحث شویم (موسوی شیرازی، ۱۳۸۸: ۱/۱۸۴).

شایان ذکر است که در روایتی نسبتاً طولانی امام صادق (ع) در تبیین انواع مجادله می‌فرمایند: «جدالی باطل است که طرفین با یاه‌سرابی به بحث پردازند و دلایلی باطل اقامه کنند. اما مناظره احسن همان مناظره‌ای است که خداوند پیامبرش را مأمور کرده تا با منکران حشر و قیامت، مناظره کند» (یس: ۸۱-۷۸). سپس ادامه دادند: «جدال احسن بهانه کفار را قطع و شبهه آنها را برطرف می‌کند. اما جدال غیراحسن به این است که طرفین حقی را انکار کنند (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۷/۹-۲۵۵؛ بحرانی، ۱۳۷۴: ۳/۴۶۵-۴۶۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۱۶۲/۴).

گاهی مناظرات حافظ نیز صورت جدال باطل را به خود گرفته است؛ مثلاً وی در جلسه سوم درباره شیوه زیارت اهل قبور در میان شیعیان چنین می‌گوید:

روزی هزاران نفر در مقابل قبور اموات ایستاده و از آنها طلب حاجت می‌کنند. آیا این رفتار شیعیان مرده‌پرستی نیست؟ چرا علما آنها را منع نمی‌کنند؟ به نام زیارت مردگان میلیون‌ها نفر در مقابل آن قبور صورت روی خاک گذارده، سجده کرده، مرده‌پرستی می‌کنند و... عجب اینکه جناب عالی نام این اعمال را توحید می‌گذارید و این قبیل اشخاص را موحد می‌خوانید (همان: ۲۰۳/۱).

در این مورد، ایشان بدون علم قطعی به موضوع مورد ادعای خویش جدل کرده است. چنان‌که در اینجا اتهام سجده شیعیان در برابر اهل قبور را به صراحت بیان می‌کند؛ حال آنکه چنین ادعایی واقعیت ندارد. لذا داعی نیز در پاسخ به این شبهه ابتدا چنین می‌گوید: «خوب است آقایان محترم که اهل علم هستید با تعمق و تفکر سخن بگویید، نه از روی عادات و گفتار اسلاف و هوای نفس و خیال» (موسوی شیرازی، ۱۳۸۸: ۱/۲۰۹).

البته حافظ در موارد اندکی نیز از مسیر انصاف خارج و گرفتار مغالطه شده است. معمولاً در این حالت خود را نماینده جمع حاضر معرفی می‌کند و به این طریق کار خود را توجیه کرده، از خود رفع اتهام می‌کند.

شایان ذکر است که محدودترین تعریف مغالطه در اصطلاح اهل منطق، عبارت است از قیاسی که مرکب از وهمیات یا مشبهات باشد. در واقع مغالطه قیاسی فاسد و شکل غیرمعتبری از استدلال است که نتیجه صحیح از آن حاصل نشود. در تعریفی عام‌تر، انواع خطاها و آشفتگی‌هایی که کم و بیش مرتبط با خطای در استدلال است به معنای وسیع کلمه، «مغالطه» نامیده می‌شود (خندان، ۱۳۸۴: ۲۳-۲۲). به عبارت دقیق‌تر، اگر مواد قیاس از یقینیات، مشهورات و مسلمات نباشد یا اینکه هیئت و شکل قیاس به صورت صحیح، منطقی و با مراعات قوانین آنها نباشد، در این صورت ناچار آن قیاس شبیه به حق و برهانی یا شبیه به مشهورات و مسلمات خواهد بود. لذا امر بر مخاطب مشتبه می‌شود و او به سبب غفلت یا قصور بینشی که دارد، تسلیم این استدلال می‌گردد. از این رو، به آن «مغالطه» و «استدلال مغالطی» گویند. در حقیقت، مغالطه شبیه قیاس است اما قیاس حقیقی نیست. حال اگر این استدلال مغالطه‌ای شبیه برهان باشد، نامش «سفسطه» است که در مقابل فلسفه به کار می‌رود (محمدی خراسانی، ۱۳۸۱: ۲/۴۹۰-۴۸۹). به بیان دیگر، سفسطه، مغالطه‌ای است که عمدی یعنی با آگاهی از معتبر نبودن انجام می‌شود، اما به ظاهر معتبر و مجاب‌کننده و در واقع فریب‌دهنده مخاطب است (خندان، ۱۳۸۴: ۲۴). فایده دانستن و شناختن انواع مغالطه‌ها این است که انسان از ارتکاب آن احتراز کند. همچنین آگاهی یابد تا دیگران او را از راه مغالطه نفرینند و نیز گرفتاران مغالطه را نجات دهد (مطهری، ۱۳۷۲: ۵/۱۲۰).

از جمله مواردی که حافظ گرفتار مغالطه شده آنجاست که در جلسه هشتم اتهام کفر به شیعیان وارد می‌کند و علتش را طعن به بعضی از صحابه و همسران رسول خدا(ص) از سوی شیعیان مطرح می‌کند و می‌گوید: «گفتار شنیع آنها از قبیل طعن و انتقاداتی است که به صحابه خاص رسول الله(ص) و بعضی ازواج طاهرات آن حضرت رضی الله تعالی عنهم می‌کنند که محققاً کفر محض است». داعی نیز در مقام پاسخ می‌گوید:

میل نداشتیم که جناب عالی این موضوعات را در این مجلس علنی مورد بحث و سؤال یا به قول خودتان گله قرار دهید که من هم مجبور شوم جواب بدهم. آنگاه حرف دست مردم جاهل و یک دسته معاند بیفتد و قضاوت برخلاف نمایند.

سپس حافظ در توجیه سخن مغالطه‌آمیز خود چنین می‌گوید:

بنده بی‌تقصیرم. چون آقایان حاضر چند شب است به من فشار می‌آورند که این موضوع مورد بحث قرار گیرد. لذا مطابق میل آقایان این درخواست را کردم. چون شما متانت در کلام دارید، گمان می‌کنم ضرری نداشته باشد که جواب مسکوتی به آقایان بدهید که رضای خاطرشان فراهم گردد یا تصدیق کنید که حق با ماست (نک: موسوی شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۳/۲-۴۲).

۳. روش مناظره سایر مناظره‌کنندگان

با تتبع در مناظرات شب‌های پیشاور، ملاحظه می‌شود که علاوه بر داعی و حافظ، سایر افراد شرکت‌کننده در مذاکرات نیز از شیوه خاصی استفاده کرده‌اند. از بین آنان، افرادی نظیر شیخ و نواب به ترتیب بیشترین سهم را در مناظره ایفا نموده‌اند. در این میان، تنها شیخ در طی دو جلسه پایانی نقش کلیدی و سائل را برعهده داشته و سایر افراد گاهی در ضمن مذاکرات وارد بحث و طرح سؤال شده‌اند.

۱-۳. روش مناظره شیخ عبدالسلام

با توجه به شرایط بحرانی جلسات پایانی مذاکرات و گویا به سبب مقام علمی پایین‌تر شیخ نسبت به حافظ یا گرایش وی به مباحث فقهی و به تبع، تعصب بیشتر در اصول و فروع مذهب اهل تسنن، معمولاً رویه ایشان در مناظرات به شیوه جدل مذموم و اغلب به صورت مغالطه بوده که گاهی نیز با تذکر داعی مواجه شده است. یکی از مسائل برجسته در سخنان شیخ، دفاع از عقاید ناصبی‌ها و مدح و تمجید یزید و معاویه است. چنان‌که در جلسه نهم در این باره چنین می‌گوید: «آیا سزاوار است خال المؤمنین معاویة بن ابی سفیان را کافر بخوانید و پیوسته لعنت نمایید؟ دلیل شما بر

کفر و لعن معاویه و یزید رضی الله عنهما که هر دو از خلفای بزرگانند و مخصوصاً معاویه رضی الله عنه که خال المؤمنین و کاتب وحی بوده چیست؟» (همان: ۲۰۴/۲) این ادعای سخیف وی درحالی است که در جلسات پیشین، از جمله جلسه سوم نیز چنین ادعایی را با شرح بیشتری بیان کرده و معاویه را منتصب از سوی خلیفه دوم و سوم شمرده است. اما در مقابل، شهادت مظلومانه امام حسین (ع) را در حکم لغزش و ترک اولایی خوانده که در دوره خلافت آنان رخ داده و این عمل را قابل عفو و اغماض می‌شمارد و ادعا می‌کند که آنان توبه کرده‌اند و خدا نیز آنها را بخشیده است. داعی نیز در مذمت و پاسخ وی چنین فرموده است: «هیچ انتظار نداشتیم که درجه تعصب جناب عالی تا این اندازه باشد که وکیل مدافع یزید عنید، مستبد و پلید گردید» (نک: همان: ۲۱۴/۱-۲۱۳).

۲-۳. روش مناظره نواب عبدالقویم خان

نواب به سبب برخورداری از اخلاق پسندیده و روحیه پرسش‌گری، معمولاً سؤالات و شبهاتش را با کمال ادب و اغلب به شیوه برهانی و جدلی مطرح می‌کند؛ مثلاً در ابتدای جلسه چهارم مسئله‌اش را چنین مطرح می‌کند:

قبله صاحب شب گذشته قرار شد امشب درباره امامت صحبت شود. ما خیلی شایق فهم این موضوع مهم هستیم. چون این موضوع ریشه مطالب است، تمنا می‌کنم فقط همین موضوع را مورد بحث قرار دهید که بدانیم بین ما و شما چه اختلافی در موضوع امامت هست (همان: ۲۲۵/۱).

البته از آن‌جا که هدف نواب کشف حقیقت بوده، در پایان این جلسات نیز که حقایق برای او روشن شده، به دور از تعصب و عناد مذهب راستین شیعه را برگزیده و مستبصر شده است.

۴. بررسی شبهات پیرامون کتاب شب‌های پیشاور

در دهه اخیر کتابی با عنوان *روزهای پیشاور (ردی بر کتاب شب‌های پیشاور)*، به قلم فردی به نام محمدباقر سجودی در پایگاه‌های اینترنتی اهل سنت منتشر شده است. البته

برخی محققان در سایت‌های مختلف به بخش‌هایی از نقدها و شبهات وارد شده در این کتاب پاسخ داده‌اند. اما در واقع نقدهای موجود در روزهای پیشاور به قدری متعصبانه و غیرعلمی است که در این مجال درخور طرح و نقد نیست.^۱

البته به علت قالب داستانی شب‌های پیشاور، ممکن است در بدو امر و هنگام مطالعه بخش «مناظرات»، ابهامات و سؤالاتی در ذهن خواننده طرح شود از جمله:

۱. تلاش داعی در معرفی تعداد زیادی از منابع معتبر اهل سنت در پاسخ به سؤالات مناظره‌کنندگان و نیز دقت نظر ایشان در ارجاع دقیق به منابع، گرچه از طرفی بیانگر اشراف و تبحر علمی ایشان است، اما از سوی دیگر با در نظر داشتن فضای مباحثه شفاهی، به خاطر سپردن و یادآوری این حجم انبوه مطالب دقیق و مستند، کمی بعید به نظر می‌رسد.

۲. وجود فاصله زمانی ۳۰ سال بین زمان تشکیل جلسات (۱۳۴۵ ه.ق.) تا انتشار رسمی این کتاب از سوی مؤلف (۱۳۷۵ ه.ق.) ممکن است قدری ایجاد تردید در صحت و اصالت مطالب آن کند. در این صورت، بیان داستانی این اثر که به نوعی از محاسن آن نیز به حساب می‌آید، می‌تواند منجر به تردید در واقعی دانستن جلسات مناظره شود.

اما با تتبع و تأمل بیشتر در مباحث مقدماتی نویسنده، تا حد زیادی انتقادهای فوق بدین شرح برطرف می‌گردد:

۱. سلطان‌الواعظین از جمله متکلمان و واعظان برجسته شیعه محسوب می‌شود که قبل از مناظرات شب‌های پیشاور، تجربه زیادی در برگزاری مناظرات علمی و پیروزی در آنها داشته است که این امر نشان از هوش سرشار وی در حفظ و به خاطر سپردن انبوه زیادی از مطالب علمی دارد. خود مؤلف نیز اذعان دارد که شب‌های پیشاور بازنویسی و بازتاب مقالات مندرج در جراید محلی برای گزارش جلسات مناظره است. (موسوی‌شیرازی، ۱۳۸۸: ۹۴/۱) لذا ممکن است در هنگام نگارش کتاب — و نه لزوماً در حین جلسات مناظره — به درج دقیق آدرس منابع همت گماشته باشد.

۲. سلطان‌الواعظین خود بر اشکال دوم واقف بوده و بدان پاسخ گفته است. ایشان انگیزه تألیف این کتاب را با وجود تأخیر زیاد، دلسوزی نسبت به ایمان و اعتقاد

جوانان مسلمان شیعی، به علت انتشار فراوان کتاب‌های تفرقه‌انگیز و انحراف‌آمیزی نظیر *السنه و الشیعه* می‌داند که سرشار از شبهات و اتهامات ناروا به حقانیت مذهب تشیع بوده است (نک: همان: ۱۹/۱-۱۷). همچنین از آنجا که چاپ نخست این کتاب تحت نظارت و اشراف عالم بزرگ شیعه، آیت‌الله بروجردی صورت گرفته است، اعتماد به صحت و اصالت این اثر قوت می‌یابد.

نتیجه

کتاب *شب‌های پیشاور* تألیف سلطان‌الواعظین شیرازی شامل گزارش مشروح ده جلسه مناظره میان جمعی از علمای فریقین است. در این مجموعه از مؤلف که عالم برجسته و بااخلاق شیعی است، با عنوان داعی یاد می‌شود. ایشان به تنهایی در مقابل جمعی از علما و بزرگان اهل تسنن نظیر حافظ، شیخ، نواب و سایرین مناظره می‌کند. در این مذاکرات داعی نقش مؤثری در دفاع از حریم اهل بیت (ع) و اثبات حقانیت مذهب تشیع داشته و اغلب در مقام مجیب، پاسخ‌گوی سؤالات مطرح‌شده از سوی حضار و بزرگان اهل سنت است. موضوعات مورد بحث در این محافل، عموماً ناظر به شبهات مهم واردشده به مذهب اهل بیت (ع) و مسائل اعتقادی و فقهی مورد اختلاف میان شیعه و اهل سنت است؛ مسائلی نظیر اثبات اعلمیت، افضلیت و خلافت امام علی (ع)، بررسی علم و عدالت صحابه مخصوصاً خلفای اولیه، جایگاه همسران پیامبر اکرم (ص)، احکام نماز و آداب زیارت و توسل نزد شیعیان.

روند این مذاکرات بر این منوال بوده که عموماً در آغاز هر جلسه سؤال یا شبهه‌ای از سوی علمای اهل تسنن مطرح و از داعی تقاضای پاسخ و رفع اشکال می‌کردند. داعی نیز به واسطه تسلط علمی بر علوم دینی و فن مناظره، همچنین احاطه کامل بر منابع معتبر روایی، تفسیری و تاریخی اهل سنت، اغلب به صورت برهانی و با استناد به ادله عقلی و نقلی مسائل آنان را پاسخ می‌دهد. گاهی نیز بر اساس مسلمات طرف مقابل به شیوه جدال احسن دیدگاه آنان را رد کرده، نظر خویش را اثبات می‌کند. در موارد محدودی نیز با بهره‌مندی از فن موعظه، به روش خطابه آنان را قانع می‌سازد. اما طرف مقابل اغلب از روش جدلی استفاده می‌کند. حتی برخی نظیر شیخ گاهی گرفتار مغالطه نیز شده‌اند.

بنابراین می‌توان خصوصیات برجسته و نقاط قوت این اثر و مناظرات آن را به شرح ذیل برشمرد:

۱. برگزاری مناظرات در فضایی صمیمی و نسبتاً عاری از تعصب و غرض‌ورزی.
۲. پایبندی طرفین مناظره به رعایت آداب مناظره و برخورداری از عفت کلام و سعه صدر.
۳. بهره‌گیری اغلب مناظره‌کنندگان از اسلوب و شیوه‌های مقبول و مناسب در جلسات مناظره.
۴. اشراف و احاطه علمی سلطان‌الواعظین به منابع معتبر فریقین.

پی‌نوشت

۱. گفتنی است نویسنده خود را سنی‌ای معرفی می‌کند که قبلاً شیعه و معلم دینی در مدارس تهران بوده (سجودی، بی‌تا: ۲۱) و مدت ۲۳ سال ساکن پیشاور بوده است (همان: ۱۶). گویا به بهانه آشنایی با جو حاکم در پیشاور، به کلی منکر امکان برگزاری چنین مناظراتی در آن شهر شده است. لذا از ابتدا شمشیر را از رو بسته و سلطان‌الواعظین و حتی همه علمای شیعه را کذاب و مکار دانسته و یازده حقه به نویسنده شب‌های پیشاور نسبت داده است (نک: همان: ۲۵-۱۹). سپس به زعم خود، تمام ادعاها و ایرادات کتاب مذکور، بالغ بر ۴۷۵ مورد را برشمرده و پاسخ می‌دهد. نکته مهم این است که به واسطه دفاع عجیب نویسنده از معاویه و به کار بردن تعبیر «رضی‌الله‌عنه» برای او (همان: ۲۷) و تعصبش در به رسمیت شمردن مذهب سلفی در کنار مذاهب چهارگانه اهل سنت (همان: ۲۵)، به نظر می‌رسد که او فردی سلفی و وهابی است. این امر به تنهایی برای قضاوت درخصوص میزان تعصب و عناد در نقدهایش بر شب‌های پیشاور کافی است. بحث پیرامون نقد این اثر مغرضانه نیازمند پژوهش مستقلی است و در این مقال نمی‌گنجد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ارزهای، محمدعلی (۱۳۸۵). مبانی منطق، تهران: سمت.
- بحرانی، هاشم‌بن سلیمان (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثه.
- توحیدی، ضیاء (۱۳۸۹). شهابی در شب، بی‌جا: پارس ایران.
- تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۸). الذریعة الی تصانیف الشیعة، قم: اسماعیلیان.

حاجی، محمد علی (۱۳۸۸). شبهای پیشاور، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان: <http://article.tebyan.net/10852>.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
حسینی جلالی، محمد حسین (۱۳۸۰). *فهرس التراث*، قم: دلیل ما.
حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الفکر.
خندان، علی اصغر (۱۳۸۴). *مغالطات*، قم: بوستان کتاب.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت-دمشق: دار القلم - الدار الشامیه.
رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۷). *آداب گفت‌وگو و مناظره از دیدگاه قرآن و روایات*، قم: دلیل ما.
سجودی، محمد باقر (بی تا). *روزهای پیشاور، بی جا: بی نا*
سلیمانی آشتیانی، مهدی (۱۳۸۷). «سلطان الواعظین شیرازی، سید محمد»، در: *ستارگان حرم*، قم: زائر، ج ۹.

سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱). *الإیتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دار الکتب العربی.
صانعی، نیرالسادات؛ صانعی، حسن (۱۳۸۵). *پاسخ به شبهات در شبهای پیشاور*، تهران: مشعر.
طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی.
عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵). *تفسیر نور الثقلین*، قم: اسماعیلیان.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
محمدی خراسانی، علی. (۱۳۸۱). *شرح منطق مظفر*، قم: الامام الحسن بن علی (علیه السلام).
مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *مجموعه آثار مرتضی مطهری*، تهران: صدرا، جلد ۵.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
موسوی شیرازی، محمد (۱۳۸۸). *شبهای پیشاور*، تحقیق: علی روح الهی خراسانی؛ محمد بابکی رسکتی، قم: لاهیجی.

موسوی شیرازی، محمد (۱۳۹۲). *صد مقاله سلطانی*، تهران: اسلامیه.
نصیری، محمدرضا (۱۳۸۴). *اثر آفرینان*، بی جا: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.